شهرآرا
روزنامه شهروند و زندگی
SHAHRARAONLINE.IR
۵شنبه
۹ خرداد ۱۳۹۸
۲۴رمضان ۱۴۴۰
شماره ۲۸۳۸
۰۷

مارپل‌های مشهدی

روایتی از کارآگاهان زن در گفت‌وگو با رئیس تنها کلانتری بانوان مشهد

عکس: مهدیه غفوریان | شهرآرا

سعیده آل‌ابراهیم

همه‌جور آدم و از هر سنی داشتیم، اما این یکی فرق می‌کرد. کم‌سن‌وسال بود. فقط ۱۳ سال داشت. بچه‌های هم‌سن‌وسالش در گیر کتاب و مدرسه بودند؛ کلاس درسِ زهره کف خیابان بود. ۷ سال از عمرِ سیزده ساله‌اش را دزدی کرده بود. اعتیاد، پدرش را به اسیری برده و مادرش به خاطر خلاف در زندان بود. به من گفت: «خانم، من خلاف کردم تا پیش مادرم بروم؛ حالا هم اگر پیش مادرم نروم، دزدی را ادامه می‌دهم.» زهره در تمام این سال‌ها سعی می‌کرده است پول و وسایل شایان توجهی از کیف زنان بردارد تا بقیه به او نگویند به دردِ ما نمی‌خوری.

زهره یکی از هزاران سارقی است که کارآگاهان زن صبح و شب با آن‌ها سر و کله می‌زنند. محل مأموریت‌هایشان اتوبوس‌ها و مجتمع‌ها یا پاساژهای خرید است. باید دائم سوار اتوبوس‌ها و از آن‌ها پیاده شوند؛ حتی ممکن است در یک روز بیش از ۱۰۰ اتوبوس سوار شوند. باید به‌طور نامحسوس و گروهی اقدام به شناسایی و دستگیری سارقانی کنند که بی‌سروصدا، در حد چند ثانیه و با شگردهای خاصی کیف‌های زنان را خالی می‌کنند. این گفت‌وگو روایتی از کارِ کارآگاهان زن از زبان سرگرد خدیجه خزاعی، رئیس کلانتری بانوان در مشهد است که ۱۶ سال گرم و سردِ کار پلیسی در روح زنانه را تجربه کرده است.

کارآگاهان زن در حوزه چه جرائمی کار می‌کنند و آیا فعالیت آن‌ها محدود به مناطق خاصی است؟

نیروهای کلانتری بانوان، تجربه تمام موارد مربوط به کارآگاهی را دارند. در کلانتری بانوان دایره مددکاری، پیشگیری، تجسس و آگاهی، مرفوک (مرکز فرماندهی و کنترل) وجود دارد. دایره تجسس که کارآگاهان در این بخش فعال هستند به جرائم خشن مانند سرقت، زورگیری، کیف‌قاپی و... می‌پردازد. البته رسیدگی به این جرائم به نقطه خاصی از مشهد محدود نمی‌شود، بلکه ما در تمام شهر و حتی حاشیه آن مأموریت داریم و هر جا که دستگیری سارق زن، زنان خیابانی و یا... صورت گیرد، باید حضور پیدا کنیم.

در تمام مأموریت‌ها به‌صورت نامحسوس و ضرب‌الاجلی کار را پیش می‌برید؟

امکان اینکه نیروهای تجسس کلانتری به‌صورت محسوس در مأموریت‌ها حضور داشته باشند، خیلی کم است. باید کارآگاهان به‌قدری تبحر و تخصص داشته باشند که بتوانند افرادی را که مخفیانه اقدام به سرقت می‌کنند، دستگیر کنند. ضمن اینکه بیشتر سارقان سابقه‌دار هستند و معمولا به‌صورت گروهی وارد عمل می‌شوند. به‌طور مثال زنی را دستگیر کرده بودیم که می‌گفت من وظیفه داشتم در اتوبوس، زیپ کیف یک خانم را باز کنم، همدست دیگرم وسایل داخل کیف را برمی‌داشت و تحویل نفر بعدی می‌داد. در دو ماهه ابتدایی سال جاری، حدود ۹۰ تا ۱۰۰ درصد دستگیری‌ها افزایش یافته است.

سرقت‌های زنجیره‌ای به این صورت است که باید حداقل ۳ نفر در اتوبوس حضور داشته باشند و این افراد پس از انجام سرقت، برای تحویل اموال سرقتی به همدست بعدی‌شان در نزدیک‌ترین ایستگاه از اتوبوس پیاده می‌شوند و این یعنی اگر کارآگاهان برای دستگیری دیر بجنبند، سارقان اموال را بین خود تقسیم می‌کنند.

گاهی متهم‌هایی داریم که برای دستگیری آن‌ها باید بررسی بیشتری انجام دهیم. به‌طور مثال متهمی بود که دوربین هر بازاری را بررسی می‌کردیم، آنجا حضور داشت. طی بررسی‌هایی که صورت گرفت، متوجه شدیم این متهم به‌همراه اقوام خود دست به سرقت در بازارهای اطراف حرم و بی‌آرتی‌ها می‌زد. با در نظر گرفتن بیشترین زمان سرقت آن‌ها، متهم را دستگیر کردیم.

در مأموریت‌ها از کدام تجهیزات پلیسی استفاده می‌کنید و آیا تابه‌حال دست به اسلحه شده‌اید؟

بله، کارآگاهان زن نیز مانند مردان، تمام تجهیزات پلیسی را در مأموریت‌ها به‌همراه دارند. ما در شرایط خاص و با دستور قضایی امکان استفاده از اسلحه را داریم. کارآگاهان زن در بیشتر مأموریت‌ها به‌صورت نامحسوس و با لباس شخصی حضور دارند؛ بنابراین باید تجهیزات پلیسی شامل باتوم، اسپری، شوکر و... را در جیب لباس خود پنهان کنند؛ البته در برخی مأموریت‌ها جلیقه تجهیزات پلیسی به تن دارند.

از عملیات‌های تعقیب و گریز برای دستگیری سارقان بگویید.

برخی سارقان هنگام دستگیری پا به فرار می‌گذارند که در این زمان، کارآگاهان، آن‌ها را تعقیب می‌کنند. گاهی حتی تا دو چهارراه یا بیشتر دنبال آن‌ها می‌دوند تا سارقان را دستگیر کنند. برخی اوقات در عملیات‌های تعقیب و گریز مردم نیز به ما کمک می‌کنند.

تابه‌حال شده سارقان در زمان دستگیری با کارآگاهان برخورد فیزیکی کرده باشند؟

معمولا سارقان در زمان دستگیری مقاومت می‌کنند، حتی ممکن است اقدام به فرار کنند یا برخورد فیزیکی با مأمور پلیس داشته باشند. خوشبختانه کارآگاهان تابه‌حال از این برخوردهای فیزیکی آسیب جدی ندیده‌اند.

شما و همکارانتان چطور در کنار روحیات لطیف زنانه خود، شغل سخت، جدی و شاید خشک کارآگاهی را مدیریت می‌کنید؟

ما پلیس‌های زن در خانه همسر، مادر و خواهر هستیم و در محل کار باید کارآگاه باشیم و جوری مدیریت کنیم که هیچ‌یک از این نقش‌ها روی زمین نماند. نمی‌توان گفت کارآگاه‌بودن بر روحیه ما تأثیری نگذاشته است. هر کس به این رشته می‌آید، باید علاقه‌مند و صبور باشد. ذهن ما درگیر پرونده‌ها می‌شود؛ به‌دلیل اینکه متهمانی که دستگیر می‌کنیم، متهم به دنیا نیامده‌اند؛ حتی وقتی در خانه هستیم، دائم در ذهن خود کلنجار می‌رویم تا کاری کنیم که جرائم کاهش پیدا کند. یک پلیس خوب باید بتواند خلافکار را به زندگی برگرداند. اما این موضوعات را به خانواده‌مان انتقال نمی‌دهیم؛ زیرا باید کار را از زندگی جدا کرد.

در سرقت‌هایی که ردّ آن‌ها را می‌زنید، چقدر باند و زنجیره‌ای هستند ؟

بیشتر سرقت‌هایی که صورت می‌گیرد، زنجیره‌ای و توسط باند یا به‌صورت فامیلی انجام می‌شود. معمولا زنی را که دستگیر می‌کنیم، مادرشوهر، خواهرشوهر، دخترخاله و... هم با او همکار بوده‌اند یا پیش از این دستگیر شده‌اند. گاهی لازم است برای دستگیری همدستان سارق به خانه‌اش برویم؛ از آنجاکه تمام کارهای ما با دستور مراجع قضایی انجام می‌شود، اگر نیاز باشد، برای ورود به خانه سارقان، پلیس مرد نیز همراه ما خواهد بود. در پی بررسی یکی از مأموریت‌ها، به یک ساختمان چندطبقه با نمای عالی رسیدیم که داخل آن نیز پر از لوازم لوکس بود. در این آپارتمان، خانمی سن‌وسال‌دار، سرکرده باند سرقت بود و با بچه‌ها و نیروهایی که سرقت را برایش انجام می‌دادند، در همان ساختمان زندگی می‌کرد.

نمونه‌ای از شگردهای سارقانی که هر روز با آن‌ها سروکار دارید، بگویید.

متأسفانه برخی اوقات سارقان، کودکان کم‌سن‌وسال را هنگام سرقت با خود به‌همراه دارند تا کمتر کسی به آن‌ها شک کند. در یک نمونه فرد با یک پسر هشت‌ساله اقدام به سرقت از بازار می‌کرد؛ با شگرد خاصی هم کارش را انجام می‌داد، طوری که حتی چندثانیه بیشتر طول نمی‌کشید. یا در نمونه دیگری، خانم وارد مغازه می‌شد و فروشنده را سرگرم و در همان موقع، برادر آن خانم، اجناس بسته‌بندی‌شده را از مغازه خارج می‌کرد.

بیشتر سارقان با پوشش چادر این کار را انجام می‌دهند تا اموال سرقتی را بپوشانند. گاهی کیسه‌ای به کمر خود می‌بندند. چندوقت پیش سارقانی را دستگیر کردیم که از پلاستیک مشکی برای پنهان کردن اموال مسروقه استفاده می‌کردند. معمولا اگر در داخل اتوبوس سرقت کنند، زود به زود در ایستگاه‌ها پیاده می‌شوند تا اموال را تحویل همدست خود بدهند.

متأسفانه بیشترین سن وقوع جرم، نوجوانی و به‌ویژه جوانی است. می‌توان گفت افراد در سنین بالا کمتر ریسک می‌کنند. یادم است کودک ده ساله‌ای داشتیم که یک تلفن همراه سرقت کرده بود. پس از بررسی‌ها متوجه شدیم پدر و مادر این کودک متارکه کرده‌اند و او با مادربزرگ خود زندگی می‌کند. کودک تلفن همراه می‌خواسته است و خانواده مخالفت کرده و حتی با یک هدیه جایگزین دیگر بچه را قانع نکرده بودند. متأسفانه اتفاقاتی از این دست موجب می‌شود اسم یک کودک در لیست کانون اصلاح و تربیت ثبت شود. البته برای این کودک ده ساله مجازات جایگزین گرفتیم تا به خانواده بازگردد.

تا به حال سارقی بوده است که به دلیل شرایط خاص یا نوع سرقت در ذهنتان جا خوش کرده باشد؟

بله، پرونده‌ای داشتیم که به خاطر فوت یک نفر بر اثر سرقت در خاطرم مانده است. دختر کم‌سن‌وسالی با همدست خود که شهرستانی بود، در بی‌آرتی، کارت بانکی یک خانم را که ۱۱ میلیون تومان اعتبار داشت، سرقت کرده بودند. آن خانم مبلغ ۱۱ میلیون تومان را از این و آن قرض گرفته بود تا همسرش که دچار ناراحتی کبدی و در بیمارستان بستری بود، به سرعت عمل شود. اما بعد از سرقت کارت، پزشک به خانم گفته بود که همسرت را در خانه نگهداری کن و دارو مصرف کند تا پول عمل جور شود. متأسفانه همسر آن خانم فوت شد. زمانی که سارق کارت بانکی را گرفتیم و از تبعات سرقت خود باخبر شد، خیلی گریه کرد و گفت همان روز پول را بین خود و همدستانش تقسیم کرده است.

به‌طور کلی خانم‌ها باید در مناسبت‌ها و قبل از اذان ظهر و مغرب در اتوبوس‌ها مواظب کیف خود باشند. سارقان همه مشهدی نیستند؛ بعضی سارقان بعد از دستگیری اظهار می‌کنند که در شهر خود به نتیجه نرسیده‌اند یا پلیس دنبالشان است و به همین دلیل در مناسبت‌ها که تعداد زیادی زائر و مجاور در اطراف حرم حضور دارند، به مشهد می‌آیند.

نگاه

زمختی قضاوت با روح زنانه

ساعتی پای صحبت‌های یکی از جوان‌ترین قضات زن مشهد

عکس: مهدیه غفوریان | شهرآرا

سعیده آل‌ابراهیم

نگاهش به رایانه است و انگشتانش روی صفحه کلید حرکت می‌کند، اما گوش‌هایش با من است. قرارِ مصاحبه‌مان در محل کارش است. وقتِ مراجعات حضوری به پایان رسیده و سالن و اتاق‌هایی که همیشه شلوغ بوده حالا خلوت است؛ سکوت، بی‌همهمه. می‌گوید: یک جاهایی باید حس لطافت و عواطف زنانه را کنار بگذاری. چاشنی کارِ ما، قاطعیت و سخت‌گیری است؛ نباید نفوذ بپذیریم. ممکن است تهدید شویم یا الفاظ زشتی را به ما نسبت بدهند، اما باید تحمل کنیم.

کارش قضاوت است. روزانه با حداقل ۱۰ متهم صحبت می‌کند، اما از سرِ صبر به پرونده همه آن‌ها رسیدگی می‌کند چون به کارش علاقه‌مند است. زهرا رضایی، کارشناس‌ارشد حقوق قضا و جرم‌شناسی، پژوهشگر برتر دانشگاه امام‌صادق(ع) و دادیار تحقیق دادسرای ناحیه ۶ مشهد است. ۶ سال است که کار قضاوت را در کنار وظایف مادری و همسری انجام می‌دهد. او جزو جوان‌ترین قضات زن مشغول به‌کار در مشهد است.

قرار است این قاضی زن سی و سه ساله از سختی‌های کار و پرونده‌های زمختی که در این سال‌ها به دستش رسیده است، برایمان بگوید. تعداد پرونده‌هایی که باید به آن‌ها رسیدگی کند، زیاد است؛ به‌همین‌دلیل حین رسیدگی به پرونده‌ها، پاسخ پرسش‌هایم را می‌دهد. من روی صندلی‌ای نشسته‌ام که هر روز متهمان روی آن می‌نشینند و به سؤالاتِ خانم رضایی پاسخ می‌دهند، اما این‌بار قرار است من پرسش‌ها را طرح کنم و او در جایگاه یک قاضی پاسخ بدهد.

چه شد که تصمیم گرفتید شغل قضاوت را انتخاب کنید؟

به کار وکالت و قضاوت علاقه‌مند بودم و تحصیلاتم را در این حوزه دنبال کردم. باتوجه‌به اعتقاداتم و نیازی که در جامعه دیدم، احساس کردم می‌توانم قاضی شوم. البته بسیار سخت بود به‌دلیل اینکه مراحل استخدام قضاوت، بیشتر از وکالت است، اما با مطالعه زیاد و تلاش، طی دو سال قضاوت قبول شدم. جذب نخبه‌ای بودم و از دانشگاه امام‌صادق(ع) فارغ‌التحصیل شدم.

چطور روحیه زنانه خود را با کار سخت قضاوت وفق دادید؟

اوایل سخت بود که لطافت زنانه‌ام را کنار بگذارم. ازآنجاکه در این شهر غریب هم هستم، کنارآمدن از لحاظ فرهنگی و حجم کار برایم دشوار بود. ازجمله سختی‌های کارم، این است که مواقعی باید حس لطافت و عواطف زنانه را کنار بگذاری. شاید نتوان گفت چاشنی کارِ قضاوت جبر است، اما قاطعیت و سخت‌گیری نیاز دارد، به‌ویژه در پرونده‌های دادسرا و موضوعات کیفری و جزایی. اینجا متهم‌هایی می‌آورند که خانم هستند و بچه کوچک به همراه دارند یا متهم نوجوان داریم که خانواده‌اش دائم گریه می‌کنند، اما ما باید احساسات را کنار بگذاریم. آنچه را در قانون وجود دارد، اعمال کنیم و نفوذ نپذیریم. رعایت تمام این جوانب کنار هم به‌ویژه برای یک قاضی خانم خیلی سخت است. من مادرِ یک بچه یک‌ساله نیز هستم و باید بگویم کارِ قضاوت روی ویژگی‌های زنانه‌ام تأثیری نگذاشته، اما از لحاظ رفتاری و روی قاطعیت اثر گذاشته است. می‌شود گفت زمانی که در دادگاه مشغول به کار هستم و بیرون از محیط کار، دو نوع شخصیت متفاوت دارم.

گفته می‌شود قضات زن به هر پرونده‌ای نمی‌توانند ورود پیدا کنند. این موضوع صحت دارد که پرونده‌های ممنوع‌الورود برای قضات زن وجود دارد؟

می‌توان گفت قضات زن تمام امور کیفری را که جرم است، می‌توانند رسیدگی کنند. پرونده‌های کیفری که شامل تمام جرائم ازجمله مواد مخدر، انواع کلاه‌برداری، نزاع، ایراد ضرب و جرح، ترک نفقه، توهین و تهدید، انواع سرقت، حوادث مربوط به کار، تصادفات و... می‌شود، به دادسرای عمومی و انقلاب می‌آید. البته طبق مواد قانونی که تعیین شده است، قضات زن پرونده‌های مرتبط با مطالبه وجه (چک‌های حقوقی)، روابط نامشروع و مواردی را که در صلاحیت سایر مراجع قضایی جز دادسرا باشد، نمی‌توانند رسیدگی کنند.

تابه‌حال پیش آمده است که احساس کنید درباره پرونده‌ای اشتباه اظهارنظر کرده‌اید و بعدا عذاب وجدان بگیرید؟

خیلی نادر بوده است که بابت قضاوت اشتباه عذاب وجدان بگیرم. اما، بله تابه‌حال شده است که در میان پرونده‌هایی که داشته‌ام، حس کرده‌ام قضاوتم اشتباه بوده است، اما خوشبختانه به‌دلیل اینکه دادگاه تجدیدنظر پرونده‌ها را رسیدگی می‌کند، بعد کیفرخواست صادر می‌شود و به دادگاه می‌رود، آن نقص برطرف شده است. مواردی هم داشته‌ایم که مطمئن بوده‌ام نظرم درست بوده و دادگاه نیز نظر من را تأیید کرده است. زمانی که متهم روبه‌رویم می‌نشیند، من دیگر خانم رضایی نیستم؛ بلکه فردی هستم که باید تمام ادله و مدارک را نگاه و پرونده را بررسی کند، اطلاعات و سوابق متهم را بررسی کند، خانواده‌اش را ببیند و... بعد از آن دقت می‌کنم به اینکه متهم چه می‌گوید. نحوه بیان، نشستن و زبان بدنش را بررسی می‌کنم. حتی اگر ادله کافی باشد و ضامن داشته باشد، اعتقاد چندانی به زندان فرستادن متهم حین تحقیقات و در مرحله دادسرا ندارم. وثیقه قبول می‌کنم، اما جواز کسب قبول نمی‌کنم و همیشه فیش حقوقی می‌گیرم. خیلی سخت‌گیر هستم، به‌دلیل اینکه پرونده‌های من سنگین است و اعتقاد دارم وقتی این همه هزینه در دستگاه قضایی می‌شود، یعنی پرونده‌ای را ضابطان بررسی می‌کنند، حداقل ۳ نفر قاضی در دادسرا تحقیق را انجام می‌دهند، ۲ نفر در دادگاه بررسی می‌کنند، سپس به دادگاه تجدیدنظر و اجرای احکام می‌رود، یعنی حداقل ۱۰ نفر از قضات روی یک پرونده کار می‌کنند، ما اگر تأمین کافی دریافت نکنیم و متهم را آزاد کنیم در مرحله دادسرا ممکن است این پرونده منجر به اجرای حکم نشود؛ یعنی عملا تمام کارهایی که انجام دادیم بی‌فایده می‌شود. سخت‌گیری می‌کنم، برای پرونده‌هایی که ادله متقن است، اما پرونده‌های خانوادگی یا پرونده‌هایی را که قابل گذشت هست، با کفالت آزاد می‌کنم.

به نظر شما سختی کار برای قضات زن نسبت به قضات مرد بیشتر است؟

خیر، سختی کار برای همه یکسان است. بیش از ۵۰ قاضی زن داریم. این زنان خودشان پذیرفته‌اند وارد این شغل و حرفه شوند و مشغله‌های همسر بودن، مادری و کارهای منزل نیز هست که راه‌حل دارد. حضور زنان در سیستم قضایی لازم است. به‌دلیل اینکه پرونده‌هایی داریم که باید زن اظهارات شاکی را بشنود و اصلا شنیدن این اظهارات از طرف قاضی مرد، وهن است. سختی کار برای زنان در همه‌جا هست، درحالی‌که نباید باشد؛ البته سختی کار برای زنان در مشهد بیشتر نیز هست. به نظر من زنان توانمندی‌های زیادی دارند و زنان متخصص از مردان چیزی کم ندارند، اما بعضی مواقع درگیر حواشی می‌شوند که پسندیده نیست.

به‌طور کلی افراد در کار قضاوت باید سعه صدر و تحمل داشته و خیلی دقیق باشند. انتظارات بالاست، به‌دلیل اینکه اینجا مرکز استان است. نظارت‌ها نیز همه‌جا هست به این دلیل که پرونده‌ها سنگین و حجیم است. از اینکه مردم در رسیدگی به پرونده‌ها تحمل می‌کنند، متشکرم، اما تعدادی هستند که تحمل ندارند. این افراد نیز باید صبور باشند، موضوع را به دادسرا بسپارند و مطمئن باشند که تصمیم درستی گرفته خواهد شد.

از پرونده‌هایی بگویید که از نظر عاطفی با آن درگیر شده‌اید یا سخت‌ترین پرونده‌ای که در طول ۶ سال قضاوت به آن رسیدگی کرده‌اید.

پرونده‌هایی داشتیم که از نظر عاطفی من را درگیر کرده است؛ به طور مثال پدری که کودک شیرخواره را از مادرش جدا کرده و به منطقه دوری برده بود؛ در این پرونده به‌صورت ویژه به پلیس آگاهی دستور دادیم که تحقیق و بچه را پیدا کنند، چون پدر بچه معتاد بود و احتمال داشت بچه را بفروشد و البته پرونده‌ای بود که نمی‌شد گفت فرد، بچه را دزدیده یا آدم‌ربایی است؛ به همین‌دلیل از اختیارات دادستانی استفاده کردیم. پیگیر شدیم و در یک ساعت بچه را گرفتند و به مادر تحویل دادند.

عنوان پرونده‌ها و رسیدگی به آن‌ها برایم سخت نیست؛ این مراجعه‌کننده‌ها هستند که پرونده را سخت می‌کنند؛ به‌دلیل اینکه صبر و تحمل ندارند. می‌خواهند خیلی زود همه‌چیز انجام شود درحالی‌که ادله برای ما کامل نیست. مراجعه‌کننده‌ها انتظار دارند سریع حکم جلب متهم را صادر کنیم، درحالی‌که ابتدا این امر باید به‌صورت قانونی اثبات شود. پرونده‌های بسیار سنگین با ۲۰۰ یا ۳۰۰ شاکی داریم، اما با تحمل و وقت زیاد می‌توان به نتیجه خوبی رسید.

سخت‌ترین پرونده‌ای که داشتم، مربوط به یک بنز سرقتی بود؛ سختی آن هم فقط به مراجعان آن برمی‌گشت. با اینکه انسان‌های متشخصی به نظر می‌رسیدند، دائم در دادسرا بودند و بسیار سروصدا می‌کردند.

تا به حال بابت پرونده‌ای تهدید شده‌اید یا اینکه پیشنهاد رشوه داشته اید؟

بله، تابه‌حال مواردی بوده که تهدید شده‌ام. گاهی الفاظ زشتی درباره من به کار برده‌اند. پرونده‌ای با موضوع نزاع داشتیم که متهم به کسی چاقو زده بود و من را تهدید کرد و گفت که «بیایم بیرون، می‌دانم با تو چه کار کنم!» حتی پرونده‌ای داشتیم که حس کردم در مسیرِ خانه‌ام من را تعقیب می‌کنند. ما محافظ نداریم، اما اگر لازم باشد می‌توانیم تقاضا کنیم که به لحاظ امنیتی مراقبت‌هایی انجام شود یا اگر حفاظت سازمان تشخیص بدهد، خودش این کار را می‌کند. تابه‌حال موردی پیش نیامده است که اضطراری بخواهم تقاضای محافظ کنم. متهم‌هایی هم بوده‌اند که من را تهدید کرده، اما بعد عذرخواهی کرده‌اند.

تابه‌حال به‌صورت رسمی به من پیشنهاد وجه نکرده‌اند؛ چون خودم در رفتارم این اجازه را نداده‌ام، اما بعضی از روی غرض یا ساده‌لوحی گفته‌اند که باغ‌ویلایی دارند و می‌توانند امتیازاتی دراختیار من بگذارند.

روزانه پرونده چند متهم را بررسی می‌کنید؟

روزانه حداقل با ۱۰ متهم صحبت و به پرونده آن‌ها رسیدگی می‌کنم. حتی جلساتی داشته‌ایم که تعداد شاکیان، متهم و شاهدها به ۵۰ یا ۱۰۰ نفر رسیده و در سالن دیگری جلسه را برگزار کرده‌ایم. حداقل ۲ ساعت برای جلسات رسیدگی و مواجهه حضوری وقت می‌گذارم. از حدود ساعت ۸ صبح تا ۲ ظهر دائم درگیر پرونده‌ها و متهمان آن‌ها هستم.

معمولا در سال به چند پرونده رسیدگی می‌کنید؟

هر سال به‌طور متوسط به ۲۰۰۰ پرونده رسیدگی می‌کنم و بیشتر این پرونده‌ها، انواع سرقت است و شاید در این مجتمع کسی که بیشترین تعلیق تعقیب را بدوا صادر می‌کند، من هستم. در موارد خاصی که قانون گفته از قرارهای جدید هم استفاده می‌کنم؛ چون در مرحله دادسرا می‌توانیم علاوه‌بر قرار تأمین کیفری از قرار نظارت قضایی هم استفاده کنیم. به‌عنوان نمونه برای یک پرونده که فرد، درختان را قطع کرده بود، از قرار نظارت قضایی استفاده کردم و به متهم گفتم باید درخت بکارد.

کارش قضاوت است. روزانه با حداقل ۱۰ متهم صحبت می‌کند، اما از سرِ صبر به پرونده همه آن‌ها رسیدگی می‌کند چون به کارش علاقه‌مند است. یک جاهایی باید حس لطافت و عواطف زنانه را کنار بگذارد. چاشنی کار، قاطعیت و سخت‌گیری است